



آهنگساز «گل گلدون من» دچار سوختگی شد

#

گروه ادب و هنر | صبح نهم مرداد در بخش سوانح سوختگی، کارکنان این بخش با مصدومی روبه‌رو شدند که برخی از ماندگارترین آثار موسیقایی این سال‌ها را آهنگسازی کرده است. اینکه او فربرز لاجینی است و رسانه‌ها از جریان سوختگی او باخبر شوند، چند روزی گذشت تا سرانجام دیروز این خبر روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت که فربرز لاجینی همان آهنگساز آثار مشهور و به یاد ماندنی «گل گلدون من»، «فلک چشات»، «ای وطن» و «لالایی» بر اثر سانحه آتش‌سوزی در منزلش به بیمارستان انتقال یافته است. لاجینی که به دلیل انفجار گاز خانگی از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شده، تحت عمل جراحی قرار گرفته است.

درباره ایده (۱۲)

نگاهی به کتاب

«آن بیست و سه نفر» نوشته احمد یوسف‌زاده

زمان‌های دراماتیک یک زندگی

کتاب «آن بیست و سه نفر» نوشته احمد یوسف‌زاده در واقع خاطرات خودنوشته مقطعی از دوران اسارت اوست؛ اما آنچه باعث می‌شود این کتاب اهمیت پیدا کند، اول از همه ساختار دراماتیک و منسجم متن است و دیگری حذف قسمتی از خاطرات برای رسیدن به تأثیر بیشتر. طوری که می‌توان این کتاب را مانند یک رمان مطالعه کرد.

یوسف‌زاده داستان را به دقت و با تسلط، با نحوه اعزام خود به جبهه شروع می‌کند تا اینکه به اسارت در می‌آید و هنگامی که صدام او و بیست و دو نفر دیگر از زندگان اسیرشده‌را در تلویزیون می‌بیند، تصمیم می‌گیرد بازی تبلیغاتی‌ای راه بیندازد و وعده می‌دهد این «بچه‌ها» را به ایران باز خواهد گرداند. بنابراین دستور می‌دهد برایشان لباس تازه تهیه کنند، آنها را به پارک بازی و گردش در شهر ببرند و سپس به دیدار خود قبول می‌کند اما در آخرین لحظات ادعا می‌کند دولت ایران از پذیرش این عده سز باز می‌زند.

رسانه‌های دنیا که از ماجرای حضور نوجوانان ایرانی در اسارت عراق مطلع شده‌اند، پیگیر سرنوشت این عده می‌شوند و این بار صدام برای ادامه جریان تبلیغاتی‌اش می‌گوید که این عده از اسرا را به فرانسه خواهد فرستاد. این گروه نوجوان که از بازی تبلیغاتی صدام سر درآورده‌اند تصمیم می‌گیرند نقشه او را خنثی کنند. بنابراین با اعتصاب غذا دولت عراق را مجبور می‌کنند این بیست و سه نفر را به جمع سایر اسرا در آسایشگاه‌ها رمادی برگردانند.

نکته اول در روایت یوسف‌زاده، انسجام و رعایت اصول روایت است. اگرچه این کتاب با عنوان خاطره‌نویسی چاپ شده، انتخاب راوی مناسب، شروع شورانگیز، پایان هدفمند، نقاط عطف و کشمکش بجا و صحیح و نیز گره‌گشایی کارآمد برای درام، آن را به رمانی بی‌نظیر تبدیل کرده‌است. رمانی که حتی می‌تواند به‌عنوان چکیده اصول داستان‌نویسی مورد توجه قرار گیرد. مساله دیگر در موفقیت رمان حذف مقدار زیادی از

خاطرات دوران اسارت است. درواقع یوسف‌زاده برای نجات درام خود، از هشت سال و اندی خاطرات دوران اسارت تنها هشت ماه آن را انتخاب می‌کند و این نکته بسیار مهمی است. گاه برای شکل دادن به داستان باید از بسیاری از زمان‌های غیردراماتیک چشم پوشید تا تأثیر زمان مفید در داستان بیشتر به چشم بیاید. از آن سوی او برای افزایش تأثیر بر مخاطب گاه با فلش‌بک‌هایی به گذشته‌های دور برمی‌گردد.

در یکی از صحنه‌های بی‌نظیر کتاب، هنگام انتقال اسرا از مناطق جنگی به زندان استخبارات بغداد، راوی کودکی را می‌بیند که سوار بر دو چرخه کنار پنجرگیری ایستاده است، راوی که هنوز دوران نوجوانی را طی می‌کند یا دیدن این صحنه به گذشته‌ای دور می‌رود، یعنی وقتی برادرش اولین دو چرخه را برای او خرید و ناگهان احساس مخاطب از اسارت، چندین و چند برابر می‌شود. چنین صحنه‌های زیبا و بدیعی در کتاب یوسف‌زاده کم نیستند. او از تمام زمان‌های دراماتیک زندگی‌اش به خوبی استفاده کرده تا اثری خوش‌خوان، روان و جذاب تالیف کند. کتاب علی‌رغم استقبال خوب عامه از طرف خواص هم مورد توجه قرار گرفته و این را مدیون هوشمندی نویسنده است. نویسنده‌ای که طنز را عنصر اصلی روایت خود قرار داده؛ طنزی دوپهلو که هم شادی‌آفرین است و از درد و غم اسارت کم می‌کند و هم طعنه‌آمیز و پرکنایه است. در مجموع کتاب «آن بیست و سه نفر» احمد یوسف‌زاده را می‌توان فارغ از نگاه‌ها و قضاوت‌های سیاسی و عقیدتی خواند و لذت برد.

موسیقی

گلایه شهرداد روحانی از کمبود نوازندگان حرفه‌ای در ایران

چین یک میلیون و ۵۰۰ هزار پیانیست دارد



آن روبه‌رو هستند. او از وضعیت نامشخص صدور مجوز گلایه کرد و گفت که این ماجرا به درازا می‌کشد و زمان اندکی برای تمرین باقی می‌ماند.

او بعد هم به کمبود نوازندگان حرفه‌ای در ایران اشاره کرد تا بگوید: «در کشوری مانند چین که البته جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر دارد، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر پیانیست حرفه‌ای وجود دارد، حال اینکه در ایران به نسبت جمعیت‌مان تعداد نوازندگان حرفه‌ای بسیار اندک است.» او در توضیح حرفش به وضعیت نوازندگان در شهر لس‌آنجلس اشاره کرد و گفت: «من در آمریکا و در شهر لس‌آنجلس زندگی می‌کنم. در همین شهر و اطرافش ۱۰ ارکستر حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. این شهر حدود ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد و کم‌جمعیت‌تر از تهران است. لس‌آنجلس در کنار این ارکسترها یک دفتر ۳۰۰ صفحه‌ای از اسامی نوازندگانی دارد که آزاد هستند و برای ضبط‌ها و اجراهای مختلف می‌توان از آنان استفاده کرد. این دفتر حدود دو هزار نام را در خود جای داده است. وقتی در شهری ۱۰ ارکستر فعال است و تعداد بسیاری نوازنده حرفه‌ای وجود دارد، دیگر امکان فعالیت برای نوازندگان در چند ارکستر فراهم نیست.»

ادب وهنر

www.FarhEEKhtegan.ir

Tue | 4 Aug 2015 | vol.07 | No. 1724

سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ | ۱۸ شوال ۱۴۳۶ | ۴ آگوست ۲۰۱۵ | شماره ۱۷۲۴

رئیس سازمان سینمایی خبر داد

ادامه‌اگران شبانه‌سینماها

گروه ادب و هنر| رئیس سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از همان روزهای نخست مدیریتش به اهالی سینما قول داد که هم آرامش را به سینما برگرداند و هم به آن رونق بدهد. این قول و وعده حجت‌الله ایوبی البته با هدایت اتاق فکرهای وابسته به جریان تندرو در دوره‌های مختلف با حاشیه‌هایی روبه‌رو شد که عمده هم و غم‌شان برهم‌زدن آرامشی بود که دولت یازدهم قولش را داده بود. این حاشیه‌ها عمدتاً تلاش برای جلوگیری از اکران فیلم‌هایی بود که مجوز ساخت داشتند. حاشیه‌سازان که در نهادهای سازمان‌های مختلف از جمله مجلس نفوذ داشتند در مقطعی تا حدودی موفق به برهم‌زدن آرامش مدنظر شدند.

تلاش‌هایی که قصدشان بی‌کفایتی مدیران سینمایی دولت بود. آخرین نمونه حاشیه‌سازی برای فیلم «رستاخیز» بود که در نهایت منجر به عقب‌نشینی سازمان سینمایی در به اکران در آوردن این فیلم شد. هم‌زمان با این عقب‌نشینی همان مخالفان سیاست‌های سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مقابل منتقد ماجرا وارد شدند و مدیران فرهنگی و سینمایی دولت را متهم به عدم قاطعیت و

گفت‌وگو با مهران رنج‌بر به بهانه کارگردانی و بازی در نمایش «کافه فرانسه» در تماشاخانه باران

موقع آبگوشت خوردن از جان لاک حرف نزنیم

مهم است، گلشیری و چهلتن هم این کار را کرده‌اند. ابوتراب خسروی هم در نمونه خوب اسفار کاتبان از اقلیم حرف می‌زند. من این فضاها را دوست دارم. مادر سرزمینی زندگی می‌کنیم که اقلیم و قومیت و موقعیت جغرافیایی‌اش تأثیر مستقیمی بر ذهن ما دارد. ما نویسنده فرانسوی، انگلیسی، هلندی یا چک نیستیم. آنها تنوع اقلیمی ندارند؛ ولی ما داریم. البته این تنوع از نظر من چندان هم خوب نیست. کنترل مصنوعی دارند آشنا می‌شود. بپزم. مهران رنج‌بر نمایشنامه «کافه فرانسه» را نوشته و کارگردانی کرده و خودش هم به همراه حمیدرضا نعیمی و آیدا آب‌پرور در آن بازی می‌کند. رنج‌بر تئاتر خوانده و از تئاتر هم وارد تلویزیون شده و در سریال‌هایی چون «آوی باران»، «تساوان»، «۵۵ کیلومتر تا بهشت» و... بازی کرده است. او این روزها ساعت ۱۸ روی صحنه تئاتر است و نوشته‌ای از خودش را به صحنه برده که بخش‌هایی از آن را از داستانی از امیرحسین چهلتن برداشت کرده است. او در این گفت‌وگو از فضای نمایشش، نقدهایی که در این اثر مطرح می‌کند و نگاهش به ادبیات و اقلیم در داستان حرف می‌زند.

به‌الدین مرشدی

b.morshedi@fdn.ir

در تماشاخانه باران شکلی فانتزی از اجرا را تجربه می‌کنید که مهران رنج‌بر شما را به پاریس می‌برد و در فضای پاریس جامعه شهروشنفکری را نقد می‌کند. شما در این نمایش با دو شخصیتی که سال‌هاست در پاریس زندگی می‌کنند و رفتارهای مصنوعی دارند آشنا می‌شوید. مهران رنج‌بر نمایشنامه «کافه فرانسه» را نوشته و کارگردانی کرده و خودش هم به همراه حمیدرضا نعیمی و آیدا آب‌پرور در آن بازی می‌کند. رنج‌بر تئاتر خوانده و از تئاتر هم وارد تلویزیون شده و در سریال‌هایی چون «آوی باران»، «تساوان»، «۵۵ کیلومتر تا بهشت» و... بازی کرده است. او این روزها ساعت ۱۸ روی صحنه تئاتر است و نوشته‌ای از خودش را به صحنه برده که بخش‌هایی از آن را از داستانی از امیرحسین چهلتن برداشت کرده است. او در این گفت‌وگو از فضای نمایشش، نقدهایی که در این اثر مطرح می‌کند و نگاهش به ادبیات و اقلیم در داستان حرف می‌زند.

در نمایشنامه «کافه فرانسه» از دو اقلیم تهران و پاریس استفاده کرده‌اید و در میان این استفاده هم نقدی اجتماعی به شهروشنفکری ایران وارد می‌کنید. این مساله نقد، که برایت اهمیت هم دارد چطور وارد این نمایش شده‌است؟

یک آدم‌زون و خطاست. در این نمایشنامه می‌خواستم



بدعت‌گذار معرفی کردند. از سوی دیگر اما سازمان سینمایی و مجموعه زیرنظرش موفق شد تا ظرفیت سینمای ایران را در بخش جذب مخاطب با نوسازی و تجهیز سالن‌های سینمایی به امکانات جدید از جمله دیجیتال کردن افزایش بدهد و از همه مهم‌تر اینکه به تعداد سالن‌های سینمایی اضافه کند. با این اوصاف بود که فروش فیلم‌های سینمایی از میزان قابل توجهی برخوردار شد و مخاطب سینمای کشور افزایش پیدا کرد. این مساله به‌خصوص در رونق گیشه‌های سینما در فصل‌های مرده اکران سال‌های گذشته از جمله ماه مبارک رمضان مشهود بوده است و مخاطبان زیادی از طرح «اکران از افطار تا سحر» استقبال کرده‌اند.

حالا مدیران سینمایی برای حمایت از سینمای ایران در بخش جذب مخاطب و رونق گیشه‌ها به فکر ایده‌های جدیدی افتاده‌اند که یکی از آنها هم تصمیم



بگویم که آب‌گوشت خوردن از جان لاک حرف نزنیم. این یک مساله ساده است. این مساله تبدیل به یک داد او در نهایت تبدیل به سرطانی در جامعه می‌شود. همه گیج هستند. در این جامعه کسی نمی‌داند چه‌کاره است و چه تفکری هم دارد. این خطر ناک است. فرهنگ نابود می‌شود. آدم‌ها نمی‌دانند آب‌گوشت‌خور یا قبرکن هستند یا جان لاک و پدر لیبرالیسم‌شان.

چون کار فانتزی است این فضا را چنین تعبیر می‌کنم. در چنین جامعه‌ای آدم‌ها صبح کمونیست هستند و ظهر پروتستانیسمند و بعد از ظهر کمی ا گر یستا نیسای لیست می‌شوند و شب هم لیبرال هستند. شب در آرامش و

یک فانتزی نقادانه



هر کمدی‌ای در ایران فانتزی نیست. مولانا می‌گوید: «هر جدی هزل است بیش هازلان، هزل‌ها جد است بیش عاقلان.» من می‌گویم طبق این قضیه باید در ایران مراقب باشیم. فانتزی برای ما نبوده و وارداتی است. یک فیلم سال‌ها پیش دیدم به اسم «سرگذشت شگفت‌انگیز امیلی پولن» ساخته ژان پیر ژونه که نمونه قدرتمند فانتزی به لحاظ ادبیات و سینما بود. من با این سیستم خیلی سازگار هستم. اگر بخواهم تئاتر کار کنم همین سیستم را در پیش می‌گیرم و الگوی من است. اما آمزون و خلاصت. مهم‌ترین اتفاقی که در تئاتر برایم مهم است دغدغه‌ای است که در «کافه فرانسه» دارم که تماشاگر با تئاتر من ارتباط برقرار کند. اکثر اوقات هم در اجراهایم دیوار چهارم را می‌شکنم. حتی اگر ۱۰ بازیگر داشته باشم باز هم این کار را می‌کنم. در همین نمایش هم دو عکس به تماشاگر نشان می‌دهیم که تماشاگر مادر «موناکو» هم یکی از شخصیت‌های نمایش را می‌بیند و هم یک نقاشی‌بکنسی را. در این فانتزی نقد برخی مسائل اجتماعی‌مان رخ می‌دهد و نقد شبه‌روشنفکری را در این اثر مطرح کرده‌ام.

تئاتر

پشت‌کوهی «آخرین انار دنیا» را به صحنه می‌آورد



گروه ادب و هنر| ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان و سرپرست گروه تئاتر «تی‌تسوک» از پایان دراماتورژی رمان «آخرین انار دنیا» به نویسندگی بختیار علی و آغاز برنامه‌ریزی برای اجرا خبر داد. داستان «آخرین انار دنیا» در کرستان عراق می‌گذرد و مضمونی ضدجنگ و خشونت دارد. بختیار علی این رمان را با تکیه بر فضای رئالیسم جادویی خلق کرده و عشق و دوستی را ناجی انسان در روزگار پرمشقت امروز می‌داند. پشت‌کوهی در ماه‌های پایانی پارسال نمایش «وقتی ما برگردیم دو پای حافظ روی صحنه برد که با استقبال تماشاگران مواجه شد.

خبرچین

سیستم نورفرانسوی سالن‌های تئاتر شه‌رسید



گروه ادب و هنر| چیزی بیشتر از یک سال می‌شود که دو سالن سایه و قشقای فعالیت‌شان متوقف شده است تا بازسازی و نوسازی شوند. اما گویا مساله تحریم‌ها باعث شده بود تا ورود سیستم و تجهیزات مورد نظر با تاخیر و مشکل روبه‌رو شود. حالا بعد از ماجرای توافق هسته‌ای و رفت‌وآمد فرانسوی‌ها به ایران، خبر داده می‌شود که ورود سیستم و تجهیزات نور خریداری شده از کشور فرانسه برای سالن‌های در دست بازسازی مجموعه تئاتر شهر وارد گمرک شهریار شد و قرار است تا یک هفته آینده این تجهیزات در سالن سایه و پلاتوهای مجموعه نصب شوند.

این‌خبر را عبدالخالق مصدق، نماینده معاونت هنری در پروژه بازسازی مجموعه تئاتر شهر داده است و درباره وضعیت ورود تجهیزات و امکانات نوری خریداری شده از کشور فرانسه گفته است: «خوشبختانه امکانات نوری خریداری‌شده از شرکت فرانسوی ADB وارد گمرک شهریار شده است. قرار است سالن «سایه» را از ۱۳ مرداد از پیمانکار پروژه بازسازی تحویل بگیریم تا امکانات نوری خریداری‌شده را در سالن نصب کنیم.» مصدق درباره زمان بهره‌برداری مجدد از سالن سایه مجموعه تئاتر شهر، گفته است: «بعد از بررسی‌هایی که در سالن سایه انجام می‌دهیم، پیمانکار بازسازی ۱۰ روز فرصت دارد تا ناقص احتمالی را برطرف کند. به همین دلیل سالن سایه تا پایان مرداد آماده بهره‌برداری و میزبانی از نمایش‌هایی است که نوبت اجرا در اختیار آنها قرار گرفته است.» مصدق با اشاره

به افزایش ظرفیت سالن سایه از ۵۰ نفر به ۷۸ نفر نسبت به افتتاح اولیه سالن در زمستان ۹۳، درباره وضعیت صندلی‌های تلسکوپی خارجی و وضعیت سفارش، خرید و زمان ورود آنها به مجموعه تئاتر شهر هم یادآور شده است: «نقشه صندلی‌های تلسکوپی سالن‌های سایه و قشقای که از کشور استرالیا خریداری می‌شوند، ۱۲ مرداد به کمپانی مدنظر ارائه شد. ورود این صندلی‌ها و نصب‌شان در سالن سایه به ۳۰ روز زمان نیاز دارد و تا آن موقع از صندلی‌های تلسکوپی ساخته‌شده در ایران استفاده می‌کنیم.»

در این نمایش بحث‌های انتقادی زیادی مطرح می‌کنید که بیشتر آنها هم در جامعه وجود دارند.

مثلا یک دیالوگ در این نمایشنامه دارم که می‌گویم کافکا دو تومن، شاملو دو تومن سیب‌زمینی هفت و پانصد. این یک واقعیت است. هم شبه‌روشنفکر را نقد می‌کنم و هم جامعه را که در این اجتماع کتاب وجود ندارد و آمار کتاب‌خواندن در ایران سه دقیقه است. این خیلی بد است. کتابفروشی‌ها و کتاب‌های کنار خیابان را هم می‌بینیم که نسبت به مواد غذایی ارزان‌تر هستند. سیب‌زمینی هفت هزار و پانصد تومان است.